فصل یازدهم : تساوقدار کن ایجادی با فیض مقدس و تساوق حوزه‌های اوسع از دار کن ایجادی با فیض اقدس

دار ِ«کن» ایجادی همان دار تشخص و تفرد وجود خارجی است که مقابل آن عدم مقابلی است و به این دلیل نام کن ایجادی را در مورد این حصه از نفس الامر به کار می‌بریم که خداوند متعال به شئ «کن» می گوید و آن شئ ایجاد می شود. آنچه که مورد خطاب ِ«کن» قرار می گیرد در عین حالی که تقرر نفس الامری دارد (و الا مورد خطاب قرار نمی گرفت) ولی موجود نشده است و پس از خطاب «کن» موجود خواهد شد لذا به ظرف تحقق پس از «کن»، دار «کن» ایجادی می گوییم که همان مقام فیض مقدس در لسان کلاس است و به ظرف تحقق قبل از «کن» ایجادی فیض اقدس می گوییم یعنی اقدس من المقدس.

ما با مشاهده ی حقائقی نظیر طبایع، معقولات ثانیه فلسفیه، ثابتات ریاضی و ... می بینیم که نحوه ی تحقق این حقائق طوری است که انتظار ما از «کن» را برآورده نمی‌کنند. موطن «کن» ایجادی موطن فرد است ولو قائل به کلی سعی شویم هم از حیث تفردش یک فرد و یک وجود است هر چند سعه دارد.

مرحوم قیصری در مقدمه ی خود بر فصوص تحت عنوان «**هدایة للناظرین**» می گوید: «معتزله می گویند چیزی هست که خارجیت دارد ولی منفک از وجود است. این حرف سخیف است که امری خارجیت داشته باشد ولی موجود نباشد. این خلاف بدیهة العقل است.»[1] در مورد اعیان ثابته نیز می گوید: اعیان منفک از وجود عینی هستند اما منفک از مطلق الوجود نیستند چون موجودند به وجود علمی، علم هم یعنی علم جمعی کمالی باری تعالی. سپس در خلال اشکالات و مباحث می گویند: یک مقام ذات داریم که کثرت در وحدت مربوط به آن مقام نیست بلکه کثرت در وحدت مربوط به مقام واحدیت است یعنی حتی مقام احدیت هم بالاتر از مقام کثرت در وحدت است (مقام واحدیت مقام ظهور اسماء و صفات و مقام کثرت در وحدت است).

بالاخره این سوال مطرح می شود که آیا این مقامات نفس الامریت دارند یا خیر؟ مقامی از مقام دیگر منحاز است یا خیر؟ جاهایی که می خواهند بحث جدی کنند می گویند: «**گر حفظ مراتب نکنی زندیقی**» یعنی اگر این مراتب را به هم بزنی کار خراب می شود اما وقتی ضوابط تدوین کلاس کم می آورد می گویند: اینها را گفتیم ولی همه ی اینها از صقع است. بالاخره این سوال مرتفع نمی شود که این مراتب نفس الامریت دارند یا خیر؟ اگر مراتب نفس الامری است و واقعیت دارد صریحا باید گفت اینها مقام ذات نیست. نمی توان احکام ذات ربوبی را بر این مراتب بار کرد و در عین حال مقام ذات را جدا کرد. به صرف اینکه بگوییم فیض اقدس در مقام اسماء است و تفسیرش

کنیم به «اقدس من ان یکون الممکن غیر الممکن» کافی نیست. این مقامات قطعا مقام ذات نیست و در جای خود به تفصیل در این باره بحث شده است اما اینکه گاهی مرتاب می سازند و گاهی آن را به صقع ربوبی می برند به خاطر این است که ضوابط کلاس جلوشان را گرفته است. می بینند که این ثابت تا موجود نباشد فایده ندارد و ثابت هم نزد آنها فقط وجود است پس هر طور که شده باید به وجود بندشان کنند. اگر بگویند وجود فیض مقدس ندارند ولی هستند می شود حرف معتزلی و سخیف است، اگر هم بگویند وجود علمی دارند که ما غیر از فیض مقدس چیزی جز ذات خدای متعال نخواهیم داشت پس مجبورند بگویند باید موجود باشد به وجود ذات حق تعالی، به بقاء الله باشد نه به ابقاء الله. فیض مقدس به ابقاء است ولی این مرتاب به بقاء، رمزش هم چیزی است که قیصری می گوید: «**الماهیات کلها وجودات**». این وجود نه یعنی بعد از وجود بلکه یعنی قبل از وجودشان. مرادشان از ماهیات هم اعیان ثابته است. «**کلها وجودات خاصة علمیة لانها لیست ثابتة فی الخارج منفکة عن الوجود الخارجی لیلزم الواسطة بین الموجود و المعدوم**»[2].

نظیر همین اقوال را در کلمات مرحوم ملاصدرا می بینیم و علت این است که این متفکرین حقائقی را می دیدند که در دار «کن» وجودی نمی گنجند ولی می خواهند با حفظ تسواق نفس الامر با وجود، تحقق و ثبوت آنها را تبیین کنند به نحوی که با ضوابط کلاس و اصالت وجود متنافی نباشد. لذا ناچار شده اند کثرات را به ذات ربوبی ببرند و بطلان هذا واضح.

در ذیل دو مثال از اسفار آورده شده است:

> **۱. فثبت من هذا المنهج ایضا وجود العالم العقلی و تکثر صوره و ذلک العالم مع کثرة صوره لیس مبائنا لذات الحق الاول بل تلک الصور علی علوم الهیة قائمة بذاته تعالی واقعة فی صقع الربوبیة فلیست هی من جملة ما سوی الله.[3]**
>
> **۲. بخلاف الطبقة الاولی فانها لم تبرح عن صقع الربوبیة و لم تنزل الی عالم الامکان لما علمت ان عالم الامکان منحصر عندنا فی عالم الخلق دون الامر.[4]**

با بیانات آمده معلوم شد که لازم نیست حقائق عالم امر و اعیان ثابته و آنچه که عدم بردار نیست را به صقع ربوبی برده از دایره ی ماسوی الله خارج بدانیم چرا که می توان از روی این حقائق که در حوزه ی ثانی برای حوزه ی وجود و عدم مقابلی و دار «کن» ایجادی هستند فهمید که نفس الامر و ماسوی الله اعم از دایره ی وجود است.

---

[1] مقدمه ی قیصری بر فصوص ص 66 ـ انتشارات علمی و فرهنگی

[2] سابق ص ۶۶

[3] الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة ج ۷ ص ۲۶۸

[4] سابق ج 6 ص ۳۰۲

بازبینی #1
ایجاد شده 20 فوریه 2025 16:34:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 فوریه 2025 16:36:22 توسط ... .